



مهرمان
مسعود

از آغاز تا
سال ۱۳۵۷

ویراست جدید



فهرست

۱۳	مقدمه چاپ یازدهم
۱۵	پیشگفتار چاپ اول
	بخش اول
	حشت اول (۱۳۱۶-۱۲۷۹)
۱۹	تفریح اشرافی
۱۹	سسما عمومی می شود
۲۳	نحستین فیلم بردار حرفه ای
۲۵	رونق سینماداری
۲۶	فیلم ها حرف می رسد
۳۰	سنت ناپسند
۳۰	مرادی نه صححه می آید
۳۵	سپتتا، پیش گام سسمای ناطق
۴۰	آعار بومیدی
۴۸	
۵۷	دیوار کج (۱۳۵۷-۱۳۲۷)
۵۷	کوشان سکوت را می شکند
۶۰	فیلم سازی گسترش می یابد
۶۳	فیلم سازی حان می گیرد
۶۹	حاکمیت رقص و آوار

۲۶۹	نام و نشان فیلم‌های مستند	۷۵	به سوی چهارراه حوادث
۲۸۴	مستندهای تلویزیون ملی ایران	۸۲	سال امیرارسلان
	تلویزیون	۸۹	مستند فیلم‌ساز
۲۹۷	پیش‌دستی بخش خصوصی	۹۵	شب‌نشینی در جهنم
۲۹۸	مأموریت‌ها	۹۹	کلاه‌محملی‌ها به میدان می‌آیند
۲۹۹	فیلم‌های مستند و داستانی	۱۰۲	از راه رسیدن فردین
۳۰۰	نام و نشان فیلم‌ها	۱۰۷	سال درحاردرن
۳۰۳	تولید فیلم‌های سیمایی	۱۱۱	خاچیکیان، پیش‌گام سیمای حیایی
۳۰۴	نمایش فیلم‌های فارسی	۱۱۴	حیایی‌سازی همه‌گیر می‌شود
۳۰۶	سریال‌سازی	۱۱۸	بحسنتین محصول مشترک
۳۰۸	روابط و محتوا	۱۲۲	شب قوری، تنها نقطه روش
۳۱۰	نام و نشان سریال‌ها	۱۲۷	گنج قارون، حشت و آینه
	کامون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	۱۳۳	تهیه‌کنندگان گنج قارون را تقسیم می‌کند
	فصلی متفاوت	۱۳۸	جهش در مقدار
۳۲۷	فیلم‌های سال ۱۳۴۹	۱۴۳	شوهر آهوجانم، ساده و رسا
۳۳۲	فیلم‌های سال ۱۳۵۰	۱۴۸	گاو و قیصر رمیه‌ساز تحول
۳۳۴	فیلم‌های سال ۱۳۵۱	۱۵۵	آقای هالو، رضا موتوری
۳۳۵	فیلم‌های سال ۱۳۵۳	۱۶۴	سال متوسط‌ها
۳۳۹	فیلم‌های سال ۱۳۵۴	۱۷۴	سال نحران مالی
۳۴۴	فیلم‌های سال ۱۳۵۵	۱۸۹	عصیان در قالب‌های تازه
۳۴۶	فیلم‌های سال ۱۳۵۶	۲۰۰	اسرار گنج دره حی، فیلم شه‌سیاسی
	سیمای آمانتور	۲۰۹	صمد، هم‌چنان پولساز
۳۴۹	بحسنتین تشکل	۲۱۴	فقر سرشار
۳۵۰	نظر سیمایی‌نویسان	۲۱۸	سیمای ایران می‌میرد
۳۵۶	مراکز فیلم‌سازی غیرحرفه‌ای	۲۲۷	دیوار کج فرو می‌ریزد
	بخش سوم		بخش دوم
۳۷۷	دوبله	۲۴۹	مستندسازی
۳۷۷	انتقال دیلماح به حاشیه فیلم	۲۵۲	شروع با حش گل‌ها
۳۷۸	صداهای نامفهوم	۲۵۵	چند مستند پراهمیت
۳۷۸	دوبله به فارسی و گسترش سحافت	۲۵۵	احبار حگ
۳۷۹	تاریخچه	۲۵۶	ماجرای نعت و رونق مستندسازی
۳۸۱	اعتصاب و تشکل دولورها	۲۵۷	گروه سیراکیور خط می‌دهد
۳۸۴	دوبله به فارسی چه مفهومی دارد؟	۲۶۰	بن‌ست مصامین سیاسی اجتماعی
۳۹۰	مشکلات از دیدگاه دولورها	۲۶۰	بی‌توجهی به تحقیق
۳۹۴	نام‌های شاخص	۲۶۱	فصل تازه
		۲۶۴	انواع فیلم مستند
			حرف‌های یک مستندساز

۴۶۳	ستاره‌سازی و دستمردهای هگمت	۳۹۷	ناریگرانی که با صدای خود حرف می‌زدند!
	سانسور	۳۹۷	کارکنان فی
۴۶۵	قنچی محوف	۳۹۸	استودیوهای دوبلاژ
۴۶۶	نحستن سانسورچیان		فیلم‌نامه
۴۶۶	اولین دستورالعمل سانسور	۴۰۱	تقلید، سرآغاز سماری
۴۶۷	آیین‌نامه آن‌چه نباید گفت	۴۰۳	یارده مصموم طلایی
۴۶۹	سانسور توسط متخصصان	۴۰۶	اسامی فیلم‌نامه‌نویسان
۴۷۲	سیاست گام‌به‌گام		سیاهی لشکر
	نوشته‌های سیمایی	۴۰۹	قرنایان سراب
۴۷۵	عصای دست	۴۱۰	شهرستانی‌های ساده‌دل
۴۷۷	محلات سیمایی	۴۱۲	دست‌مرد
۴۹۳	محلات دیگر	۴۱۳	پاتوق سیاهی‌لشکرها
۴۹۳	نقد فیلم		پلاکارد و پوستر
۵۰۱	تلیعات	۴۱۷	حلوه‌گری‌های جعلی ویتربین فیلم
۵۰۲	کتاب‌های سیمایی		مردم به سیمما می‌روند
۵۰۳	کتاب‌شناسی	۴۲۳	مردم به سیمما می‌روند
	بخش چهارم	۴۲۴	عقب‌نشینی تاتار
۵۰۹	نمایه	۴۲۵	نحستن سیممای رنانه
۵۰۹	فیلم‌ها	۴۲۵	فیلم ناطق و افراش سالن‌های نمایش
۵۲۱	اشخاص	۴۲۶	درجه‌بندی سیمماها
	منابع	۴۳۴	احمسن سیمما‌داران ایران
۵۳۶	کتاب‌ها	۴۳۶	نام و نشان مالکان سیمماهای تهران
۵۳۶	محل‌ها و گاه‌نامه‌ها	۴۴۰	سیمما در شهرستان‌ها
۵۳۷	حروه‌ها و گزارش‌های تخصصی	۴۴۱	اتفاقات مصحک در سالن‌های نمایش
۵۳۷	رورنامه‌ها	۴۴۲	سیمما یا قتلگاه؟
		۴۴۷	حریق
			اقتصاد
		۴۴۹	کالایی به نام فیلم
		۴۵۰	مساله عوارص
		۴۵۱	حیحال عوارص
		۴۵۲	گرفتاری‌های تهیه‌کنندگان مفرد
		۴۵۴	ترندهای پخش‌کنندگان فیلم
		۴۵۵	ار استودیوهای فیلم‌سازی تا دکه‌های احاره فیلم
		۴۵۸	نقش استودیوهای فیلم‌سازی
		۴۶۲	صاحبان سیمما، حدت‌کننده اصلی سود

خشت اول ۱۳۱۶-۱۲۷۹

سال ۱۹۰۰ میلادی، آغار قرن بیستم چندین دهه بعد از انقلاب صنعتی، اروپا در عرصه‌های صنعت و اقتصاد مرزهای بویی را گشود

در ایران ما «حکومت علایبه حراح ماصب و القاب و ماشسر و فرامس نه دست کههه فروشان داخله و خارحه نه معرص بیع می‌رسد»^۱، و در پناه «طل الله»، رعیت در پسخه حویس استداد و عقب ماندگی نالان بود نا این حال، در کنار فقر و تیره‌روزی مردم، رمرمه‌های مشروطه‌خواهی رفته‌رفته اوح می‌گرفت تفکر آزادیحواهان اروپایی در قشرهای روشمکر محویت پیدا می‌کرد و پیشرفت‌های فی اروپا عامه را نه اعجاب وامی داشت

در ایس دوران، ست‌های نمایشی هم‌چنان نه حیات خود ادامه می‌داد احرای تعریه در تکیه دولت توسط نقش‌آفریان نام‌آوری هم‌چون شیخ حسن شمر، حاحی نازک‌الله، اکسر تعریه‌حوان، امرالله ملموس و احمد مرمی، و هم‌چس مراسم نمایش گونه سر بریدن محکومان در میدان پافاپوق نه وسیله چهره‌های سماکی هم‌چون میرعصب‌ناشی و سقچی‌ناشی، مهم‌ترین رویدادهای نمایشی سال محسوب می‌شد اما ناگهان در میان سوعات‌های مطفال‌الدین‌شاه، که رهاورد سفر فرنگ بود، وسیله‌ای پا نه ایران گدارد که صدای نافد شح حسن شمر و حضور پرصلات او را نه مازره می‌طلسد چراغ حادو^۲

تفریح اشرفی

شاه در سال ۱۹۰۰ میلادی سفری نه فراسه کرد و در کترکسویل در میان وسایل سرگرمی محتلف یک دستگاه سیماتوگراف دید از این پدیده سحرانگیر حوشش آمد و در سفرنامه‌اش نوشت «دستگاهی است که نه روی دیوار

۱. ناظم‌الاسلام نارح سداری اربان

۲ Magic Lantern

می‌اندازد و مردم در آن حرکت می‌کنند» در این هنگام میرزا ابراهیم خان عکاساشی^۱ به دستور مظفرالدین شاه دستگاه را خریداری کرد. در همان سال در شهر استانبول کارناوالی برپا بود و طبق نوشته مظفرالدین شاه، عکاساشی از این کارناوال («حش گل‌ها و حاشم‌هایی که سوار کالسکه هستند و گل پرتاب می‌کنند») فیلم گرفت. سایرین میرزا ابراهیم خان را می‌توان به تعبیری بحسبیتین فیلم‌بردار ایرانی دانست، هر چند که فیلم‌برداری حرفه‌ای بعدها با خان‌بانا معتصدی شروع شد.

سسماوگراف در اوایل سال ۱۲۷۹ هجری شمسی پا به ایران گذاشت و چند سال بعد بیره‌گیری از آن برای نمایش عمومی رواج یافت.

اعلان

پرده‌های جدید تماشایی سیمووتوگراف که عوامل خارجی را به‌طور حرکت و تحسین نشان می‌دهد به تازگی وارد شده و در حیابان ناصری در یکی از معاره‌های حباب تاحرناشی نشان داده می‌شود. مقدم آقایان محترم از یک ساعت بعد از ظهر تا دو ساعت از شب گذشته در کمال احترام پذیرفته می‌شود.^۲

اما قبل از آن تنها در باریان قاجار و اشراف از این دستگاه استفاده می‌کردند و در حش‌های عروسی، حتنه‌سوران و مراسم شاد دیگر با آپارات‌های ابتدایی فیلم‌هایی را که از راه روسیه به ایران می‌آوردند، نمایش می‌دادند. در واقع سیمما در ابتدای ورودش به ایران به خدمت طبقه حاکم درآمد. معنی برخلاف بیشتر دنیا که سیمما از همان آغار و سله تفریحی عامه‌پسندی به شمار می‌رفت و در ریر چادرها و در نارارهای مکاره و تالارهای مختلف مردم کوچک و نارار را سرگرم می‌کرد، در ایران به صورت یک سرگرمی محدود اشرافی پدیدار شد.

در سال ۱۲۸۳ شمسی اولس سالس سسما را - البته اگر نشود نام سالس بر آن گذاشت - میرزا ابراهیم خان صحافاشی در حیابان چراغ‌گاز بار کرد. در این سالس فیلم‌های کمندی کوتاه را، که در بهایت از ده دقیقه تجاوز نمی‌کرد، پشت سر هم نشان می‌دادند. قل از ورودی سالس، دالانی وجود داشت که در آن یک دستگاه کیه‌توسکوپ^۳ گذاشته بودند. فرح عماری در باره صحافاشی چس گفته است^۴

«میرزا ابراهیم خان صحافاشی، مرد متحدد و متکر و آزادیحواه، بحسبتین بهره‌بردار سیمما در ایران بود. ابراهیم در دارالعلوم انگلیسی خواند و از حدود ۱۲۹۶ (هـ ق) / ۱۸۷۹ (م) به بعد با انجام سفرهای دور و درار ریمی و دریایی به انواع تجارت پرداخت. در ماه مه سال ۱۸۹۷ در لندن دستگاه سیمماوگراف را دید و شرح او ظاهراً بحسبتین دکریست که یک نفر ایرانی در باره این اختراع حدید کرده است صحافاشی بحسبتین سالس سیممای عمومی را برپا کرد و فیلم‌های کمندی نا حرری واقعی (یا از نو ساخته از روی وقایع) را که هر کدام بیش از ده دقیقه طول نمی‌کشید و اغلب از شهر اودسا و رستو در روسیه به دست می‌آمد، نمایش می‌داد. یکی از آنها مردی را نشان می‌دهد که کوچک‌ای را حارو می‌کرد و ماشین حاده‌صاف‌کس سر می‌رسید و او را ریر می‌گرفت و حاروکش به‌شکل درار و ناریک در می‌آمد و بعداً نار با وسیله دنگری همان مرد چاق و کوتاه می‌شد. فیلم دنگری داستان آشپری بود که در قفسه مطح خود اسکلت‌ها و اشساحی می‌یابد و فیلم‌های حرری هم مربوط به حگک ترانسوال افریقای حومی بود. سانس‌ها شب‌ها انجام می‌گرفت و در سالس، لیموناد و سائر آشامیدنی‌ها به فروش می‌رسید. در داخل



بیره میرزا ابراهیم خان عکاساشی او بحسب ایرانی‌ای بود که فیلم‌برداری را بحره کرد

۱. میرزا ابراهیم خان عکاساشی فرزند احمد صنع السلطه بود. روایت می‌سود که او در بهران بیره‌لم‌هایی از سیرهای ساه در دوسان‌به و مراسم سسمری برداسب
۲. صور اسرافیل شمار ۲۶ بحسبه ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ هجری (دوم اردبهبس ۱۲۸۷) ۲۲ آوریل ۱۹ میلادی صفحه ۸
۳. کیه‌توسکوپ که اجراع ادسون بود سناهب به سهرفریک ایرانی دانسب. به این معنی که حسم را بر آن می‌گداسند و کنار این سگسا حعه چهارگوس بلندی بود که در آن سگهای می‌انداحند و یک فلم کوبا. دونا سه دفعه‌ای را، که اغلب از روسیه می‌آمد. نماسا می‌کردند
۴. سفرنامه ابراهیم صحافاشی بهرانی به اهمام محمد مسری حاب دنماه ۱۳۵۷ در حانحانه کوابان از سوی سرک مولغان و مرحمان صحاب ۱۳ تا ۱۷